



گفت و گو با مختار عبدالمهدی:

میان صخره‌ها

زرق و برق ندارد

ولی هیجان دارد



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

که بخواهد یک ژانر یا موضوع مناسبی را برای نمایش و فیلمسازی انتخاب کند نیز به این سمت بیاید. جنگندگی و روحیه مبارزه طلبی که از کودکی در این زیست بوم تقویت می‌شود چیزی است که کاملاً مشهود است. وقتی به کوه رفتیم و یک بچه ۱۱-۱۰ ساله را دیدیم که عملاً کارهایی در کوه می‌کرد که من تصور هم نمی‌کردم، ایده ابتدائی این قصه به ذهنم رسید. ناخودآگاه، من که در آن زیست بوم بزرگ شدم این وضعیت را داشتم، حالا اگر غریبه‌ای در این شرایط قرار گیرد و این موضوعات را ببیند، قطعاً اولین چیزی که برای فیلمسازی به چشم او می‌آید، همین شرایط است.

یکسری کارهایی تولید می‌شود که به اسم کار کودک هستند ولی بیشتر برای بچه‌های شهر نشین یا طیف خاصی از طبقه‌های اجتماعی است. فیلمهای پر زرق و برق زیادی با آواز و نور و گریم‌های سنگین برای کودکان. نگران این نبودید اثر شما با توجه به اینکه سادگی خاصی دارد و فضای خاصی که از لحاظ موقعیتی و شخصیت‌هایی دارد، در رقابت با اینها شکست بخورد؟

به هیچ عنوان! از چند منظر می‌توان این قضیه را بررسی کرد. اولاً هزینه‌ای که کردیم خیلی کم است و کل هزینه‌ای که کردیم با آن کارها عملاً قابل مقایسه نیست و شاید از دید بعضی‌ها خیلی خنده‌دار به نظر برسد. پس از این جهت وقتی این بودجه برای تولید این اثر هزینه شده به هیچ عنوان انتظار نداریم به آن فیلم‌ها تنه بزنند. ضمن اینکه انتظار کار برای اینکه در گیشه بدرخشد یا اتفاقی خارق‌العاده بیفتد هم نیست. به نظرم این کارهایی که بتواند بیشتر برای مخاطب و ذهنیت آینده نگر او، جریان سازی کند که بداند فیلم خوب می‌تواند اینطور هم باشد. به اعتقاد من باید این میزان تلاش صورت بگیرد تا برای کسی که پول می‌دهد و در سینما می‌نشیند و فیلم را تماشا می‌کند، بتواند فرهنگ‌سازی شود. می‌توان در سینما آمد و فیلم‌هایی با این چارچوب را دید و لذت برد. ضمن اینکه فکر می‌کنم فیلم ما اینطور نیز باشد چون آن زرق و برق‌هایی که اشاره کردید، را ندارد، ولی یک قصه پر هیجان دارد. فقط زرق و برق و بازیگران چهره را نداریم. ایسنا

پرسوناژ هستند، قبل از «۱۲۷ ساعت» هم علاقه خاصی داشتم، البته نه اینکه تا آخر بخوایم این مسیر را ادامه دهیم، اما جزئی از علائق شخصی من بود و ناخودآگاه من را همواره درگیر می‌کرد.

معمولاً یکی از سوالات رایج در مواجهه با فیلمسازان سینمای کودک این است که فیلمشان برای کودک است یا درباره کودک؟ شما «میان صخره‌ها» را در کدام یک از این دو دسته قرار می‌دهید؟

این کار به اعتقاد من دو لایه دارد یعنی سطحی‌ترین لایه می‌تواند برای کودک باشد ولی در کنار آن زیر لایه‌های زیادی دارد. ما یک رادیو و یکسری اتفاقات داریم که زیر لایه‌های کار هستند و احساس می‌کنم برای کودک سنگین است. در کل می‌توان گفت این اثر «درباره کودک» است. اینکه کار دو جنس تماشاگر کودک و بزرگسال را جذب کند، کاملاً خواسته بود و اینطور نبود که ناخواسته به این سمت رفته باشیم.

شما و محمد احمدی (تهیه کننده اثر) دوستی و آشنایی با فریدون نجفی دارید. نجفی به شدت به این مدل آثار سینمایی در کار علاقه دارد. از ایشان «اسکی باز» و «بچه گرگ‌های دره سبب» را دیده ایم و فکر می‌کنم با آنها آشنا هستید. چقدر ایشان در این زمینه به شما راهنمایی دادند؟ چقدر حمایت و هدایت کردند با توجه به اینکه سابقه زیادی در این مدل از فیلم‌ها دارند؟

فریدون دوست من است و خیلی به هم نزدیک هستیم. به نوعی می‌توان گفت فریدون نجفی خیلی خوب بومی نویسی و جهانی اندیشی را در کارهای خود دارد. شاید تاثیری که فریدون بر من داشت، این مدل تاثیر بود. یعنی به شکل کلی بود. اینکه بگویم به شکل جزئی تاثیر گذاشته باشد، نبوده است. از این جهت که به شکل کلی از فریدون توانستم این را دریافت کنم که چقدر خوب می‌شود بومی بنویسد، جهانی ببیند و در میدان جهانی، اثر خود را عرضه کند. این تاثیری بود که فریدون داشت. ضمن اینکه زیست بوم و اقلیم ما اقلیمی است که می‌توان گفت این مدل کارها عملاً برجسته هستند. شاید اگر کس دیگری وارد این زیست بوم شود

کارگردان فیلم «میان صخره‌ها» معتقد است که فیلمش نقاط پر هیجان زیادی دارد که مخاطب را تا پایان فیلم نگه می‌دارد. این روزها فیلم سینمایی «میان صخره‌ها» به کارگردانی «مختار عبدالمهدی» و تهیه کنندگی «محمد احمدی» در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است. پای صحبت‌های کارگردان اثر نشستیم تا برای مان از روند تولید این فیلم سینمایی کودک بگویم. عبدالمهدی معتقد است فیلمی که ساخته قرار نیست با آثار پر زرق و برق و گرانیقیمت سینمای کودک رقابت کند اما می‌گوید فیلمش نقاط پر هیجان و پر کششی دارد که مخاطب را تا انتهای فیلم همراه نگه می‌دارد؛ چیزی شبیه فیلم «۱۲۷ ساعت» که بر اساس یک قصه واقعی است و مخاطب به انتظار سر نوشت قهرمانش، پای فیلم می‌نشیند.

چه شد که سراغ این قصه‌ای از دنیای کودکان رفتید آن هم در فضایی بدور از زندگی شهری؟

سال ۹۸-۹۷ مستندی درباره یک ایتالیایی کار کردم که باید به جایی در میان کوه‌های بختیاری که پدرش آنجا فوت کرده است، می‌رفت. در مسیر به یک پسر بچه چوپان رسیدم که ۱۲-۱۰ سال سن داشت. اسم او ابراهیم بود و کاراکتر پسر قصه ما هم ابراهیم است. خیلی بزرگتر از سن خودش بود و ایده اولیه آنجا به ذهنم رسید البته نه به این شکل که دو بچه باشند بلکه به ذهن رسید یک قصه را با یک بچه از ابتدا تا پایان پیش ببرم اما بنا به دلایلی ترجیح دادیم دختری هم اضافه شود. قصه و ایده ابتدایی فیلم از آنجا شروع شد.

بخشهایی از فیلم شبیه «۱۲۷ ساعت» ساخته «دنی بویل» است و این نگرانی برای تماشاگر است که همانند آن فیلم و ماجرای تلخ و البته واقعی قطع شدن دست کوهنورد، پایان تلخی را برای یک فیلم کودک شاهد باشیم.

شاید برخی فیلم‌ها بر ناخودآگاه فیلمساز تاثیر بگذارد. البته «بچه‌های آسمان» اصلاً تاثیر نداشت و فاصله فیلم‌ها زیاد است اما ممکن است فیلمی مثل «۱۲۷ ساعت» بر ناخودآگاه من باقی مانده باشد. با این حال می‌توان گفت شکل‌گیری این نوع قصه و فیلم‌های سینمایی در همین راستا است. من به فیلم‌هایی که تک و یا دو

